



نگاهی به برخوردهای کریمانه رهبری با مخالفان



## مدیریت اخلاقی در نظام ولایی

حسین ابراهیم‌زاده



امام راحل (ره) داشت. حاکمیتی که امام راحل (ره) به دنبال احیای اصل هدایت و پیاده کردن مکارم اخلاق بود. اما در مقابل این همه مهربانی و گذشت و دغدغه، دشمنان امام و انقلاب از هیچ جنایت، خیانت، تهمت و افتزایی نسبت به شخص ایشان و یارانشان دریغ نکردند تا جایی که امام راحل (ره) تنها درباره منافقین، ابن ملجم نامرد را از آنان مردتر نامید.

این تقابل مدیریت اخلاقی و انسانی امام راحل - که همان مدیریت اسلامی است - در برابر خیانت‌های دشمنان پس از رحلت امام راحل نسبت به خلف صالح او به اوج خود رسید. برخورد متواضعانه، کریمانه، و سعه صدر رهبری انقلاب در برابر خیانت‌ها و یاوه‌سرایی دشمنان، عالم بزرگ اخلاق و عرفان در حوزه علمیه یعنی آیت‌الله مصباح یزدی را به مقایسه این کوه مهربان و شکیبای دیگران می‌کند.

بی‌شک مدیریت نظام اسلامی توسط رهبری معظم انقلاب چون امام راحل دارای چنان ابعاد گسترده و متنوعی است که حتی فهرست کردن آن هم دشوار است، اما ذکر یک نکته کلیدی ضروری است و آن، اینکه رهبری انقلاب برای رسیدن به اهداف متعالی آرمان‌های اسلام و انقلاب و در عرصه مدیریت هرگز به دنبال خواری و ذلت معاندان و مخالفان خود نبود بلکه همواره بر این بوده و هست که دست افتادگان بر زمین را بگیرد. رهبر انقلاب در طول مدیریت ۲۳ ساله خود و براساس وظائف قانونی به سادگی می‌توانستند با بیان این مطلب که رهبری جدید، تیمی جدید را می‌طلبد برخی از مخالفان خود را از صحنه سیاست و اجتماع حذف کنند، اما هرگز به این کار دست نزدند.

رهبری انقلاب به سادگی می‌توانستند با برخورداری از جایگاه قدرتمند خود، حزبی قدرتمند را بنیان گذارند و ساختار اجرایی کشور را به دست گیرند تا دیگر با سنگ اندازی‌های دولت‌های گوناگون روبرو نشوند، اما هرگز به این محدوده وارد نشدند و جامعه را از حاکمیت تک حزبی مصون نگه داشتند.

رهبری بارها و بارها به سادگی می‌توانستند برخی از مخالفان و معاندان خود را به ویژه در دوران به اصطلاح اصلاحات از گردونه سیاست و اجتماع خارج کنند اما ایشان بزرگوارانه از کنار آنان گذشتند و ...

این در حالی بود که رهبری انقلاب در برابر همه نقشه‌ها و کینه‌های مخالفان، همواره دوستان خود را به خویشتن‌داری دعوت می‌کردند تا جایی که در فتنه سال ۷۸ کوی دانشگاه به صراحت از یاران خود خواستند که اگر عکس او را هم آتش زدند سکوت کنند. رهبری از کنار هتاک‌های افراد معلوم‌الحالی چون مهاجرانی که پس از بیانات رهبری در خصوص وجود پایگاه‌های دشمن در مطبوعات، گستاخانه از نبودن پایگاه دشمن در مطبوعات سخن گفتند... سکوت کردند، مانع اخراج آقای دستغیب از مجلس خبرگان رهبری از سوی اعضای این مجلس پس از سخنان توهین‌آمیز او شدند، برای درگذشت آقای منتظری پیام فرستادند و از

گسترده‌گی دشمنان انقلاب اسلامی ایران با هیچ یک از انقلاب‌های عصر کنونی چه از نظر تعداد و چه از نظر تنوع، در بینش و نگرش قابل مقایسه نیست، همان‌گونه که این گسترده‌گی درباره دوستان انقلاب اسلامی نیز صدق می‌کند؛ دوستان انقلاب هم چه از نظر تعداد و چه از نظر تنوع در بینش و نگرش، بی‌شمارند. بی‌شک این گسترده‌گی و تنوع دشمنان، ریشه در ماهیت انقلاب اسلامی و تلاش هر دو ابرقدرت در آغاز پیروزی انقلاب دارد که برای نابودی آن از همه عناصر و امکانات خود در داخل و خارج بهره می‌گرفتند، علاوه بر این به دلیل ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی و درگیری انقلاب با باندهای قاچاق انسان، اسلحه، مواد مخدر و برپا کنندگان مراکز فساد و فحشا، این باندها نیز به صف دشمنان انقلاب پیوستند؛ باندهایی که برای انقلاب‌های دیگر نه تنها دزدساز نبوده بلکه به عنوان اهرمی تخدیری برای پیشبرد اهداف خود حتی از آنان هم حمایت می‌کردند. در کنار فهرست کردن این دشمنان، باید به ریزش‌های درونی انقلاب و تغییر ذائقه برخی و خسته شدن برخی دیگر از ادامه مبارزه، اشاره کرد. البته هر یک از این پدیده‌ها محتاج تحلیل و تأمل جداگانه‌ای می‌باشد. رویارویی نظام با این طیف معاندان و مخالفان، باور هر کسی را به سوی سمتی می‌کشاند که مقاومت ۳۳ ساله این مردم با مدیریت رهبران آن را شبیه به اعجاز کرده است و باید به جای فهرست کردن و تحلیل درباره برون رفت این نظام از هر بحرانی تنها در پیشگاه حق تعالی به خاطر امدادهای الهی و مدیریت رهبران الهی آن، سجده شکر به جای آورد، چرا که به اعتراف کارشناسان هر یک از این دشمنان و حوادث و پدیده‌ها به تنهایی می‌توانست انقلابی را نابود سازد.

به جرأت می‌توان گفت حرکت‌های ضد انسانی و ضد اخلاقی این طیف گسترده دشمنان بر ضد نظام اسلامی و مسئولین آن نیز با هیچ یک از انقلاب‌های دیگر قابل مقایسه نیست. کافی است سری به فعالیت ده‌ها شبکه تروریستی و صدها و بلکه هزاران شبکه ماهوره‌ای و سایت و روزنامه زد که هم اینک از هیچ جنایت و خیانت و تهمتی نسبت به انقلاب پرهیز نمی‌کنند، این در حالی است که رهبران الهی این انقلاب همواره چنان برخورد انسانی و اخلاقی با دشمنان خود داشته و دارند که تعجب حتی بزرگان علم و اخلاق را به دنبال داشته است.

برای اثبات این مسئله کافی است سری به سیره رهبران الهی این انقلاب در برخورد با دشمنان و مخالفان و فریب خوردگان زد، از نگرانی و دستور امام راحل به شهید فکوری نسبت به وضعیت مسکن خانواده‌های کودتاگران پادگان نوژه، دعوت از بنی‌صدر جهت بازگشت از خوف افتادن این رئیس جمهور خطاکار و خائن به دامان گرگ‌ها - به تعبیر امام راحل - گرفته تا توصیه‌های اخلاقی این عزیز سفر کرده در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود به فریب خوردگان منافق و دعوت از آنان به بازگشت و اظهار نگرانی از هلاک شدن آنان در جهنم و... حکایت از دغدغه‌ای فراتر از حاکمیت زمینی در مدیریت دینی

#### تقابل مدیریت اخلاقی

و انسانی امام راحل

در برابر خیانت‌های

دشمنان پس از رحلت

امام راحل نسبت

به خلف صالح او

به اوج خود رسید؛

برخورد متواضعانه،

کریمانه، و سعه صدر

رهبری انقلاب در

برابر خیانت‌ها و

یاوه‌سرایی دشمنان

تا بدانجا است که عالم

بزرگ اخلاق و عرفان

یعنی علامه مصباح

را به مقایسه این کوه

مهربان و شکیبای

دیگران می‌کند.



مسئولین خواستند او را در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) دفن کنند، و خون دلی را که از خواص مردود در فتنه ۸۸ خوردند چون جدش علی (ع) با چاه نجوا کردند و ...

رهبری انقلاب در برابر این برخوردهای کریمانه با مخالفان خود در مسیر مدیریت کلان نظام، هرگز به تحمیل دیدگاه‌های خود هم برنیامدند و همواره سخنان خود را در حد یک پیشنهاد بیان کردند و جز در مواردی که خوف خارج شدن قطار انقلاب از ریل اصلی وجود داشت، به میدان نیامدند و با نگاه سیستم محوری به نظام، از حوزه اختیارات خود گامی فراتر نگذاشتند. رهبر انقلاب در طول ۲۳ سال زعامت، به همه جهانیان ثابت کردند که چرا امام راحل نظام ولایت فقیه را، نظامی ضد دیکتاتوری و ضد حاکمیت دیکتاتوری نامیدند.

این سیستم محوری و عدم تحمیل دیدگاه خود در طول ۲۳ ساله حتی به رئیس جمهوری چون آقای احمدی نژاد که به زعم بسیاری در دوره اول و سال‌های نخست ریاست جمهوری مطیع کامل رهبری بود، چنین در بیانات رهبری خود را نشان می‌دهد؛ شیوه‌ای که تنها خاص مدیران الهی و اصل ولایت فقیه است:

«در همان اوائل ریاست جمهوری آقای دکتر احمدی نژاد به ایشان گفتم که این مورد - یک مورد خاصی است نمی‌خواهم اسم بیاورم و قبل از دولت ایشان تصمیم گیری شده بود - ممکن است برایتان مشکلات درست کند بیاثید صاف و روشن به مردم و به همان مسئولین بگویید، آقا

این کار را نمی‌توانیم انجام بدهیم! از شما قبول می‌کنند، البته ایشان مصلحت ندانستند و آن کار را نکردند، بنده هم الزامی و اجباری نگفته بودم، پیشنهاد کردم.»<sup>۱</sup>

رهبری انقلاب براساس آموزه‌های الهی و قائل بودن به مراتب ایمانی افراد، برخلاف سیره رهبران سیاسی دنیا که همواره در صدد حذف رقبای خود می‌باشند، مسئولان کشور را در سطوح گوناگون به ویژه لایه‌های میانی به جذب نیروها با دل‌بستگی‌ها و سلاطین گوناگون فرا می‌خوانند البته با حفظ معیار در گام نخست که رهبری از آن به «اصول» و «ارزش‌ها» یاد می‌کنند و به نشان دادن «راه» در هنگام کار و خدمت، فراخوانی به دور از حب و بغض‌های گروهی و حزبی که باز تنها مختص نظام ولایتی و مدیری الهی است، توصیه می‌کنند:

«ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی، البته معیار و میزان، اصول و ارزش‌هاست انسان‌ها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند ما در بین خودمان آدم‌هایی داریم ضعیف‌الایمان آدم‌هایی داریم که ایمانشان قوی‌تر است. باید راه بیابیم، نمی‌شود ضعیف‌الایمان را دفع کرد، نمی‌شود فقط به کسانی چشم دوخت که قوی‌الایمانند؛ نه، ضعفا را هم باید در نظر داشت کسانی که خودشان را قوی می‌دانند آن کسانی را که ضعیف می‌دانند ملاحظه کنند، مراعات کنند، دفع نکنند، آن کسانی که جزو مجموعه هستند لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنسار افتاده‌اند، جدا افتاده‌اند، این‌ها را به خود بیاورند این‌ها را نصیحت کنند



رهبری از کنار  
هتاک‌های افراد  
معلوم‌الحالی چون  
مهاجرانی که پس  
از بیانات رهبری  
در خصوص وجود  
پایگاه‌های دشمن در  
مطبوعات گستاخانه  
از نبودن پایگاه دشمن  
در مطبوعات سخن  
گفتند... سکوت کردند،  
مانع اخراج آقای  
دستغیب از مجلس  
خبرگان رهبری از  
سوی اعضای این  
مجلس پس از سخنان  
توهین‌آمیز او شدند...



برای جذب افراد با سلاط و گرایشات گوناگون با حفظ اصول و ارزش‌ها، تلاش برای حاکمیت امنیت و آرامش آحاد مردم، همه و همه ریشه در خلق و خویی دارد که منشأ آن در مبدأ تاریخی انقلاب یعنی کربلاست؛ آنجایی که مردی بر قلّه کرامت انسانی از آب خود به اسب دشمن می‌دهد و دشمنی که از دادن قطره‌ای آب به طفل شش ماهه او دریغ می‌کند، رهبری، درباره شیوه وجود مقدس امام حسین(ع) و غیر ممکن بودن عوض شدن برخی می‌فرمایند:

«در خود عرصه کربلا، حضرت اهل تبیین بودند، می‌رفتند، صحبت می‌کردند، حالا میدان جنگ است، منتظرند خون هم را بریزند، اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده می‌کردند، که بروند، با آن‌ها صحبت بکنند، بلکه بتوانند آن‌ها را بیدار کنند، البته بعضی خواب بودند، بیدار شدند؛ بعضی خودشان را به خواب زده بودند و آخر هم بیدار نشدند، آن‌هایی که خودشان را به خواب می‌زنند، بیدار کردن آن‌ها مشکل است، گاهی اوقات غیر ممکن است.»<sup>۴</sup>

همین خلق و خوی رهبری در عرصه مدیریت است که حضرت آیت‌الله مصباح یزدی که خود مورد هجوم همه جانبه معاندان و مخالفان اسلام است و همواره از کنار یاهو‌سرایی مخالفان، کریمانه می‌گذرد روحیه رهبری را این‌گونه توصیف می‌کند:

«...ایشان [مقام معظم رهبری] صدهزار فحش را تحمل می‌کند و به روی خود نمی‌آورد، خیانت‌هایی از نزدیک‌ترین دوستان خود می‌بیند که دشمن با دشمن این‌گونه خیانت نمی‌کند و اصلاً به روی خود نمی‌آورد! ایشان چه قدر جلوتر از ما هستند... اگر چه به ایشان ظلم می‌شود، ولی خداوند عوض آن را به نحو احسن و هزاران برابر به او می‌دهد. ایشان ضرر نمی‌کند، بلکه جامعه متضرر می‌شود و از هدایت و مدیریت معظم‌له محروم می‌شود. ما باید قدر این نعمت را بدانیم و شبانه روز خداوند را برای چنین نعمتی شکر کنیم. شکر نعمت به این نیست که شبانه روز دعا کنیم: خدایا ایشان را برای ما حفظ کن، آن وقت سر چیزهای بی‌ارزش و شبهه‌هایی که از روی حسد، کبر و دنیاپرستی برمی‌خیزد، غفلت کنیم و مانع بصیرت ما شود!»<sup>۵</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۲. همان.
۳. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با روحانیون، ۲۲ آذر ۱۳۸۸.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۷/۵/۵.
۵. سخنرانی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در جمع گروهی از شاگردان قدیمی در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲.

دلالت کنند، راه را به آن‌ها نشان بدهند، آن‌ها را برگردانند، این‌ها مسائل سیاسی است.»

براساس همین پای‌بندی به اصول و ارزش‌ها و مدیریت اخلاقی رهبری انقلاب است که معظم‌له با همه بی‌مهری‌هایی که نسبت به مهرورزی ایشان می‌شد، از همه دولت‌ها حتی دولت‌هایی که رؤسا و مدیران ارشد آنان ساز مخالفت را با فرامین رهبری به صدا درمی‌آوردند، حمایت می‌کردند:

«البته حمایت از دولت مخصوص این دولت نیست؛ بنده همیشه از دولت‌ها حمایت کرده‌ام، امام هم (رضوان الله تعالی علیه) در هر برهه‌ای، از دولت‌ها و رؤسای قوه مجریه و مسئولین دولتی حمایت می‌کردند، دلیلش هم واضح است چون عمده بار اداره مدیریت کشور بر عهده قوه مجریه است و نظام باید از قوه مجریه، از رئیس جمهور، از مسئولین و از وزراء، حمایت کنند، امام هم حمایت می‌کردند بنده در دوره‌های گذشته همیشه حمایت می‌کردم، منتها خوب، این خصوصیتی که عرض کردیم، موجب شود که انسان گرمتر حمایت کند و در این قدردانی و حمایت، دلگرم‌تر اقدام کند.»<sup>۲</sup>

آنانی که کمترین آشنایی با روحیات والای اخلاقی رهبری انقلاب دارند به خوبی به این واقعیت اذعان می‌کنند که این فرزند حسین (ع) در تب وصال یاران شهیدش می‌سوزد و در آرزوی مأوا گرفتن در نزد جدش دعا می‌کند اما به همان اندازه هم نگران امنیت و آرامش مردم است و هرگز حاضر به صدمه دیدن هیچ فردی نیست. رهبری که خود بر فراز قلّه کمال نترسیدن از مرگ قرار دارد و نقطه آغاز حماسه‌ها است، در فتنه سال ۸۸ بر آن شد تا به هر قیمتی جامعه را به سوی امنیت و آرامش هدایت کند تا جایی که در آذرماه ۸۸ همه را این‌گونه مورد خطاب قرار دادند: «آرامش را حفظ کنید، این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، این‌ها کسانی نیستند که ریشه‌ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب مقاومت کنند؛ نه. با آرامش، همه کار با آرامش. اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسئولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام می‌دهند، البته شناسایی کنند... اغتشاش، درگیری مصلحت نیست، این چیزی است که دشمن می‌خواهد، دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد، امنیت مهم است دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند کلافه بشوند، ما این را نمی‌خواهیم، ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد، دانشجو بتواند درس بخواند، طلبه بتواند درس بخواند، دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند، صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتواند همه کارشان را انجام بدهند.»<sup>۳</sup>

گذشت کریمانه رهبری انقلاب از کنار سخنان یاهو‌گویان، عدم تحمیل دیدگاه‌های خود بر نزدیکان و دوستان، تلاش

گذشت کریمانه رهبری انقلاب از کنار سخنان یاهو‌گویان، عدم تحمیل دیدگاه‌های خود بر نزدیکان و دوستان، تلاش برای افراد با سلاط و گرایشات گوناگون با حفظ اصول و ارزش‌ها، تلاش برای حاکمیت امنیت و آرامش آحاد مردم، همه و همه ریشه در خلق و خویی دارد که منشأ آن در مبدأ تاریخی انقلاب یعنی کربلاست.